

فرصت‌های آموزشی دانش آموزان عشایر استان سیستان و بلوچستان: (برابر یا نابرابر)

علیرضا حیدرزادگان؛ محمد حسین صندوقداران^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۱۴

چکیده

این مقاله به بررسی فرصت‌های آموزشی در مناطق عشایری استان سیستان و بلوچستان می‌پردازد. روش انجام این پژوهش توصیفی - تحلیلی می‌باشد و جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزان عشایر در مقاطع آموزشی سه‌گانه در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ مناطق و شهرستان‌های استان بوده و نمونه برابر کل جامعه آماری در نظر گرفته شده است. اطلاعات مورد نیاز با استفاده از روش مطالعه کتابخانه‌ای و همچنین از طریق آمارنامه‌های موجود بطور مستند جمع‌آوری گردید. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از شاخص‌های محاسبه نرخ گذر، ضریب بهره‌برداری از فضای آموزشی، نرخ تراکم و نحوه توزیع جمعیت عشایری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان داد که نظام آموزشی مناطق عشایری استان در تمام شاخص‌های نرخ گذر تحصیلی، ضریب بهره‌برداری از فضاهای آموزشی، نرخ تراکم و نحوه توزیع معلمان در مقاطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه از وضعیت مناسبی برخوردار نمی‌باشد و فرصت‌های آموزشی آن نابرابر است.

واژگان کلیدی: برنامه‌ریزی آموزشی؛ فرصت‌های آموزشی؛ نرخ گذر؛ نرخ تراکم؛ ضریب بهره‌برداری؛ عشایر.

heidarzadegan@edpsy.usb.ac.ir عضو هیأت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان

کارشناس ارشد مدیریت آموزشی

مقدمه

آموزش و پرورش، یکی از نهادهای اجتماعی در هر کشور می‌باشد که اهداف و مسئولیت‌های خطیری بر عهده‌ی آن گذاشته شده است. در چشم انداز بیست ساله‌ی جمهوری اسلامی ایران و در برنامه‌ی توسعه‌ی ملی، «دانایی» به عنوان مبنای اصلی توسعه در تمامی ابعاد، جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده و در برنامه‌های توسعه، با الهام از چشم انداز بیست ساله، اجرای برنامه‌های آموزشی برای همه به عنوان یکی از اولویت‌های نظام آموزشی تعیین شده است. از آن جا که آموزش و پرورش مداوم، حقی است مسلم برای تمامی افراد و نمی‌تواند در انحصار قرار گیرد؛ پس محدودیت‌های جغرافیایی و فرهنگی نبایستی مانع دستیابی به این حق مسلم گردد (فیوضات، ۱۳۷۶، ۲۱). به اعتقاد توماسوسکی^۱ (۲۰۰۳، ۱)، در آستانه عصر جدید و نیاز دولت‌ها به حضور در عرصه جهانی، توجه ویژه به آموزش به عنوان یک حق برای ملت‌ها الزامی می‌باشد. بر این اساس دولت‌ها متعهد به تأمین آموزش برای تک تک افراد خود هستند. حق قانونی برای دسترسی به آموزش، پلی برای لذت بردن از همه‌ی حقوق انسانی است و نادیده انگاشتن این حقوق به مخاطره انداختن انسانیت می‌باشد. در این رابطه کنوانسیون حقوق بشر (یونسکو برخط، ۳) می‌گوید: هر فردی حق دسترسی به آموزش را دارد و آموزش باید حداقل در مراحل پایه‌ای و ابتدایی الزامی و رایگان باشد (نقل از نبی‌زاده سرابندی، ۱۳۸۴، ۱۵۷). عشایر و دانش آموزان آنها از این حق جدا نیستند و بر اساس قانون اساسی باید پیش بایسته‌های لازم برای دسترسی به آموزش برای آنان فراهم گردد. یکی از پیش بایسته‌های اساسی در مورد عشایر توجه به وجود آنها به عنوان یکی از تقسیم بندی‌های اجتماعی است و آنها در زمره یکی از جوامع سه گانه ایران محسوب می‌شوند که برای هویت ملی ایران افتخار آفرین بوده‌اند صفی نژاد (۱۳۸۳). همانطور که امان‌اللهی بهاروند (۱۳۸۳) می‌گوید در طی ۶۰۰ سال گذشته سرزمین ایران شاهد هر سه نوع زندگی شهرنشینی، روستانشینی و کوچ نشینی بوده است. طاهر، محمد و محمد (۲۰۰۵) می‌گوید این استقلال با ناسازگاری سبک زندگی عشایر با برنامه درسی مدرسه و انزوای عشایر کوچ رو از بقیه جامعه نادیده گرفته شده است. عطاران و عبدلی (۱۳۹۱) بر این ناسازگاری صحه می‌گذارند و می‌گویند از ایرادها و آسیب‌های عشایر، ناهمخوانی ویژگی‌های سبک زندگی آنان با برنامه درسی مدرسه است که در آموزش معلم عشایر ایجاد اخلاص کرده است. بر این نکته هم جوزف، براومن، وینشیتل و گرین^۲ (۲۰۱۱) از دیدگاه فرهنگی اشاره نموده‌اند که برنامه درسی زمانی به نتیجه مطلوب می‌رسد که بر بستر فرهنگی تکیه کند. اما چرا علیرغم اینهمه قدمت تاریخی، عشایر هنوز نتوانسته‌اند از دستاوردهای فرهنگی تمدن حاضر بشری یعنی سواد به نحو مطلوبی استفاده کنند. نقش برنامه‌ریزان آموزشی در این زمینه بی

^۱ Tomasevski

^۲ Joseph, Bravmann, Windschitl, Mikel, and Green

بدیل است. آنها باید از طریق تجزیه و تحلیل دقیق، علل پیدایش فرصت‌های نابرابر را دریافته و برای اصلاح آن پیشنهادها مناسب ارائه دهند. به طوری که زمینه باروری برای همه استعدادها موجود دانش آموزان عشایر فراهم گردد و همه افراد لازم‌التعلیم آنان بتوانند متناسب با توانمندیهای خود از امکان تداوم کسب فرصت‌های یکسان تحصیل بهره مند گردند. چرچای، ویتی و اوقی^۱ (۲۰۱۰) معتقد هستند برای ارزیابی واقعی کارایی آموزش گروهایی مثل عشایر با سایر گروهها که دارای تجمعی خاص می‌باشند می‌توان از مدل‌های غیر پارامتریک مثل تحلیل پوششی داده‌ها بهره برد. نادری، حسنی و صادقی (۱۳۹۲) کارایی مدارس را با بهره‌گیری از روش تحلیل پوشش داده‌ها مورد مطالعه قرار دادند زیرا ارزیابی کارایی واحدهای آموزشی با خصوصیات مربوط به عشایر حائز اهمیت بسیار است و سبب روشن شدن وضعیت عملکرد واقعی واحد آموزشی و مشخص کردن نقاط قوت و ضعف برای تصمیم‌گیری در مورد برنامه‌های آموزشی، به منظور ارتقای کیفیت و تحقق بخشیدن به اهداف آموزشی می‌شود. دایرت^۲ (۲۰۱۵) می‌گوید با توجه به اینکه عشایر کوچ رو دایما در حال سفر می‌باشند ایجاد فرصتهای آموزشی ایستا کافی نیست بلکه لازم است از امکانات جدید فناوری مثل اینترنت و موبایل استفاده گردد. بنابراین یکی از سوالات اساسی از نظام آموزشی این است که آیا فرصت‌های آموزشی به طور یکسان در بین دانش آموزان عشایر توزیع شده است؟ در اینجا مسئله کارایی نظام یعنی بازده حاصل از یک نظام درمقایسه با درون داد آن مطرح می‌شود (مشایخ، ۱۳۹۰، ۵۵) و با نشانگرهایی چون نرخ‌های ارتقاء، تکرار و ترک تحصیل، نرخ اتمام، درصد کارایی و نرخ فارغ التحصیلان اندازه‌گیری و تبیین می‌شود اما موضوع جامعه عشایر در این زمینه در نوع خود مهم تر و قابل تامل تراست و بحث درباره‌ی نظام آموزشی عشایر که به دلیل نوع معیشت خاص از حساسیت بالایی برخوردار است توجه بیشتری را می‌طلبد تا فاصله ایجاد شده در شاخص‌های آموزشی بهبود یابد، چرا که جامعه عشایری دوشادوش جوامع شهری و روستایی نقش غیر قابل انکاری در گستره وسیعی از فضای جغرافیای کشور را ایفا می‌نماید همان گونه که بانگسبو^۳ (۲۰۰۸) می‌گوید برنامه درسی عشایر کوچ رو باید با سبک زندگی آنها انطباق داشته باشد و بتواند نیازهای آنان را تامین نماید. اطلاعات آماری در این زمینه حقایقی را روشن می‌کند. طبق داده‌های مرکز آمار ایران ۵۲/۲ درصد جمعیت ۶-۲۴ ساله کشور در حال تحصیل می‌باشند که درصد جمعیت در حال تحصیل در بین عشایر ۲۸/۳ می‌باشد. قابل توجه است که درصد جمعیت در حال تحصیل با افزایش گروه‌های سنی کاهش می‌یابد به طوری که برای کودکان ۶-۱۰ سال ۳۲/۲ درصد، نوجوانان ۱۳/۴ درصد، افراد ۱۵-۱۸ سال ۲۰/۲ درصد و افراد ۱۹-۲۴ ساله ۵/۷ درصد می‌باشد که این موضوع بیانگر نوعی ترک تحصیل در بین دانش آموزان عشایر می‌باشد (سیدان، ۱۳۷۹). دفتر آموزش و

^۱ Chrechy, Witte and Ooghe

^۲ Dyert

^۳ Bangsbo

پرورش عشایر کشور (۱۳۸۰-۸۱) نیز در این زمینه می‌گوید یکی از مشکلات آموزش و پرورش عشایر کوچ رو، فقدان یا عدم دسترسی به مدارس در سطوح بالاتر از مقطع ابتدایی است. این مسأله موجب شده است که بخشی از جمعیت واجب‌التعلیم مجبور به ترک تحصیل شده و از نعمت سواد محروم شوند؛ به طوری که در سال تحصیلی ۸۰-۸۱ از مجموع ۱۶۴/۱۰۹ نفر دانش آموز مدارس عشایری کشور به ترتیب ۸۱/۷۳ درصد در دوره‌ی ابتدایی، ۱۴/۱۰ درصد در دوره‌ی راهنمایی و ۴/۲ درصد در دوره‌ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی تحصیل می‌کردند. در این وضعیت به خصوص افت تعداد محصلین دختر، بسیار شدید و قابل تأمل می‌باشد. در سال تحصیلی مورد اشاره، سهم دختران عشایر در دوره‌ی ابتدایی ۴۴/۳۶، در دوره راهنمایی ۲۹/۴ درصد و در مجموع ۳۳/۸۵ درصد بوده است. در تحلیل علل افت تعداد محصلین دختر در مناطق عشایری، به خصوص در مقاطع راهنمایی و متوسطه، علاوه بر فقدان امکانات، باید به محدودیت‌های حاصل از نگرش‌ها و عوامل فرهنگی نیز توجه داشت (اکبری، میزبان، ۱۳۸۳، ۲۱). در این میان استان سیستان و بلوچستان با داشتن بیش از یکصد هزار نفر عشایر دارای رتبه چهارم از لحاظ جمعیت در بین استان‌های کشور می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷). طبق نتایج آخرین سرشماری نرخ باسوادی در جامعه عشایری استان ۲۷ درصد می‌باشد که این موضوع برای مردان عشایر ۶ساله و بالاتر ۲۵ درصد و برای زنان عشایر ۶ساله و بالاتر ۱۹ درصد می‌باشد. همین بررسی‌ها نشان می‌دهد درصد کمی از جمعیت عشایر استان در این حال تحصیل می‌باشند که در مقایسه با آمارهای عشایر کشور نشان‌دهنده اوضاع نامناسب در این استان می‌باشد. بخصوص اینکه برخی باورهای فرهنگ سنتی در خصوص ادامه تحصیل فرزندان به خصوص در دختران عشایر موضوع را پیچیده‌تر نموده است. از طرف دیگر وابستگی مطلق عشایر استان به مراتع و دام و اجبار به کوچ به ویژه در دوره‌های طولانی خشکسالی شرایط تحصیل اجباری در چادرهای برپا شده در بیابان را مشکل می‌کند (شکل ۱).



شکل ۱: نمونه ای از کلاس برپاشده در چادر عشایر

پیشینه پژوهشی در این زمینه بسیار فقیر است و تحقیقات در ارتباط با کاستی‌های آموزش عشایری و همچنین کارایی نظام آموزشی در مقاطع مختلف بویژه در استان اندک و یا انجام نشده است. کاظمی (۱۳۶۹) توانایی‌ها و ناتوانایی‌های آموزشی عشایر از ابتدا تا انقلاب اسلامی را مورد واکاوی قرار داده است و ضمن اشاره به ویژگی‌های زندگی عشایری به تاریخچه آموزش و پرورش از سال ۱۳۳۶ در استان فارس پرداخته و از جمله فرصت‌های از دست رفته را عدم تناسب محتوای آموزش با زندگی عشایری می‌داند. همچنین در مطالعه مشترکی که بین معاونت بهداشتی وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، دفتر صندوق کودکان سازمان ملل متحد با کمک کارشناسان مرکز آمار، وزارت آموزش و پرورش و سازمان برنامه و بودجه در سال ۱۳۷۶ انجام گرفته است تلاش شده شاخص‌های بهداشتی اجتماعی برای کودکان بالای ۵ تا ۱۷ سال و زنان و پسران ۱۵ تا ۴۹ سال تعیین گردد. نتایج این تحقیق نشان داده است که: میزان شروع نکردن تحصیل دختران و پسران استان سیستان و بلوچستان در بدترین وضع قرار دارد. عطاران و عبدلی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای به بررسی فرهنگ یادگیری مدرسه عشایر کوچ رو پرداخته و می‌گوید تقویت بنیان‌های اخلاقی و فضیلت‌های دینی، روحیه ایثارگری بر اساس روح بلند ایلاتی و عشیره‌ای عشایر و نیز ارائه مدل دانش آموز محور در مسائل آموزش و پرورش عشایر و توجه به معلمان پژوهشگر و پژوهنده جهت مشارکت در اندیشه‌های سازنده و پویای آنان و ایجاد تسهیلات ویژه برای معلمان عشایر را از راهکارهای مهم آموزش و پرورش عشایر در برنامه‌ریزی‌های آموزشی می‌داند همه این موارد می‌تواند فرصت‌های برابری را ایجاد کند. کریمی، محمد (۱۳۸۳) در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی اقدامات انجام شده، چالش‌های موجود و راهکارهای پیشنهادی در کانون توسعه عشایری (ایل شهر) بوشکان استان بوشهر، آموزش مبتنی بر برنامه‌ریزی با مشارکت خانوارهای عشایری و نیز آموزش مبتنی بر خواست و نیازها و سازگار با شرایط اجتماعی و اقتصادی آنان و آموزش بر مبنای موازین فرهنگی جامعه عشایری را مهم می‌دانند. مهرعلیزاده، رومیانی و پارسا (۱۳۹۱) جریان دانش آموزی در دوره راهنمایی تحصیلی را با یک مدل بررسی نمودند نتایج حاصله نشان داد که عملکرد دانش آموزان شهری از غیر شهری در زمینه‌ی کارایی درونی بهتر بوده است. تحقیقات اقدسی و زینال فام (۱۳۹۱) هم حاکی از آن است که اختلاف میانگین ترک تحصیل دانش آموزان براساس محیط زندگی (محیط روستایی و شهری) برابر ۱/۲۸ است که نشانگر ترک تحصیل بیشتر دانش آموزان در محیط روستایی نسبت به محیط شهری می‌باشد. رومیانی، مهرعلیزاده و پارسا (۱۳۹۳) در تحقیق دیگری بررسی کارایی درونی مدارس مقطع راهنمایی شهرستان اهواز طی برنامه توسعه چهارم کشور به تفکیک پایه، موقعیت جغرافیایی و ناحیه را مورد مطالعه قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که ضریب کارایی درونی مقطع راهنمایی شهرستان اهواز در طول این برنامه ۸۲ درصد بوده و نسبت اتلاف صورت گرفته در این شهرستان در این پنج سال ۱/۲۲ و میانگین این شاخص در کل استان

۱/۲ می باشد. میانگین نرخ ماندگاری در استان خوزستان، ۹۷/۷۶ بوده و این در حالی است که میزان این نرخ در شهرستان اهواز ۹۵/۹۸ است. همچنین در شاخص افت تحصیلی، عملکرد شهرستان اهواز نسبت به میانگین استان از میزان بالاتری برخوردار می باشد. با توجه به موارد ذکر شده پژوهش حاضر درصدد پاسخ گویی به سوالات زیر است:

۱- نرخ گذر تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر مناطق عشایری از دوره ابتدایی به راهنمایی و از راهنمایی به متوسطه در استان چگونه است؟

۲- ضریب بهره برداری از فضاهای آموزشی مقاطع مختلف تحصیلی مناطق عشایری استان چگونه است؟

۳- نرخ تراکم درسی دانش آموزان مناطق عشایری استان چگونه است؟

۴- نحوه توزیع معلمان مناطق عشایری استان در مقاطع مختلف تحصیلی چگونه است؟

روش شناسی پژوهش:

این پژوهش از لحاظ هدف در دسته تحقیقات توصیفی - تحلیلی است. جامعه آماری پژوهش نیز عبارت است از:

۱- کلیه دانش آموزان دختر و پسر ابتدایی، راهنمایی، متوسطه مناطق عشایری استان در سالهای ۱۳۸۹-۱۳۹۰ به تحصیل تمام وقت در مدارس عشایری اشتغال داشته اند.

۲- جمعیت لازم التعلیم مناطق عشایری هر شهرستان به تفکیک جنسیت.

۳- جمعیت سرشماری عشایر کوچنده ۱۳۸۷ به تفکیک شهرستان و جنسیت.

در این تحقیق با توجه به ماهیت آن، نمونه با کل جامعه برابر می باشد به عبارت دیگر گردآوری داده ها از طریق سرشماری عشایر کوچنده سال ۱۳۸۷ و آمارنامه آموزش و پرورش استان در سال تحصیلی سال ۱۳۸۹-۱۳۹۰ انجام شده است. همچنین اطلاعات به دست آمده در این تحقیق با استفاده از شاخص های آمار توصیفی نظیر جداول و نمودارها، درصدها، نسبت ها، نرخ گذر، ضریب بهره برداری از فضاهای آموزشی و نرخ تراکم و نحوه توزیع جمعیت عشایری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

نتایج

سوال اول تحقیق: نرخ گذر تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر مناطق عشایری از دوره

ابتدایی به راهنمایی و راهنمایی به متوسطه چگونه است؟

۱- نرخ گذر تحصیلی دانش آموزان دختر از ابتدایی به راهنمایی در مناطق عشایری استان ۴/۹ است.

۲- نرخ گذر تحصیلی دانش آموزان پسر از ابتدایی به راهنمایی در مناطق عشایری استان ۷/۹ است.

۳- نرخ گذر تحصیلی دانش آموزان دختر از راهنمایی به متوسطه در مناطق عشایری استان ۳۱/۵ است.

۴- نرخ گذر تحصیلی دانش آموزان پسر از راهنمایی به متوسطه در مناطق عشایری استان ۳۵/۵ است.

جدول ۱: نرخ گذر تحصیلی دانش آموزان مناطق عشایری از ابتدایی به راهنمایی تحصیلی

نرخ گذر از ابتدایی به راهنمایی		مردودین مشغول به تحصیل			تعداد دانش آموزان کلاس اول راهنمایی درسال ۸۹-۹۰			تعداد دانش آموزان کلاس پنجم درسال ۸۹-۹۰		
پسر و دختر	پسر	دختر	پسر	جمع	دختر	پسر	جمع	دختر	پسر	
۶/۶	۴/۹	۷/۹	۱۶	۲۲	۲۰۵	۷۲	۱۳۳	۳۱۱۳	۱۴۵۳	۱۶۷۸

جدول ۲: نرخ گذر تحصیلی دانش آموزان از راهنمایی به تفکیک جنسیت

در سال تحصیلی ۸۹-۹۰

نرخ گذر از راهنمایی به متوسطه			مردودین مشغول به تحصیل		تعداد دانش آموزان کلاس اول دبیرستان درسال ۸۹-۹۰			تعداد دانش آموزان کلاس سوم راهنمایی درسال ۸۹-۹۰		
پسر و دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	جمع	دختر	پسر	جمع	دختر	پسر
۳۴	۳۱/۲	۳۵/۵	*	*	۵۳	۱۵	۳۸	۱۵۶	۴۸	۱۰۷

مآخذ: ادارات آموزش و پرورش شهرستان ها

*باتوجه به نظام ترمی واحدی در مقطع متوسطه عمومی در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ دانش آموز مردودی در سال اول وجود نداشته است.

سوال دوم تحقیق: ضریب بهره برداری از فضاهای آموزشی مدارس مقاطع

مختلف تحصیلی استان چگونه است؟

نتایج سوال فوق با استفاده از نسبت تعداد مدارس بر ساختمان های مدارس مورد بررسی، طبق

جدولهای شماره (۴) و (۳) به شرح زیر بدست آمد.

۱- ضریب بهره برداری از مدارس ابتدایی مناطق عشایری استان (۱/۶) است.

۲- ضریب بهره برداری از مدارس راهنمایی مناطق عشایری استان (۱/۰۴) است.

۳- ضریب بهره برداری از مدارس متوسطه عمومی مناطق عشایری استان (۱) است.

جدول ۳: وضعیت فضای آموزشی استان به تفکیک مناطق و شهرستانها

فائده فضای آموزشی	وضعیت فضای آموزشی							نام شهرستان	ردیف	
	ثابت					متحرک				۴۴۵
	مدرسه				اتاق	چادر	کمپ			
	پنج کلاسه	سه کلاسه	دو کلاسه	یک کلاسه						
-	۲۴	۴۴	-	-	۷۸	-	-	زاهدان	۱	
-	۲	۲	-	-	۴	۱	-	زابل	۲	
-	۵	۴	-	-	-	-	-	هیرمند	۳	
-	۱۴	۶	-	-	۱۲	۴	۱	خاش	۴	
-	۱	۱۱	-	-	۱۵	۵	۴	ایرانشهر	۵	
-	۱	۵	۵	-	۱۳	-	-	سراوان	۶	
-	-	-	-	۳۱	۴	-	-	سیب و سوران	۷	
۱۱	-	۴۴	۵	۱۶	-	-	۷	مهرستان	۸	
-	۴	۱۱	-	-	۲	-	-	دلگان	۹	
۱	۱۵	۳۳	۲۳	۱۸	۴۶	۱	۵	نیکشهر و لاشار	۱۰	
-	۲	۱۳	۱	۳	۵۲	-	-	سرباز	۱۱	
-	-	۵	۲	۵	-	-	۱	کنارک	۱۲	
-	-	-	۲	-	-	-	-	چابهار	۱۳	
۱۲	۶۸	۱۷۸	۳۸	۱۲۳	۲۲۷	۱۱	۱۸	جمع استان		
-	۲	-	-	-	-	-	-	ایرانشهر	۱	
-	-	-	-	-	-	-	-	نیکشهر	۲	
-	۲	۱۳	-	-	-	-	۱	سرباز	۳	
-	-	-	-	-	-	-	-	زاهدان	۴	
-	۴	-	-	-	-	-	-	زابل	۵	
-	۸	۱۳	-	-	-	-	۱	جمع		
-	-	۱	-	-	-	-	-	دلگان	۱	
-	-	۶	-	-	-	-	-	زاهدان	۲	
-	-	-	-	-	-	-	-	جمع		
۱۲	۷۶	۱۹۸	۳۸	۱۲۳	۲۲۷	۱۱	۱۹	جمع کل		

جدول ۴: ضریب بهره برداری از فضاهای مدارس عشایری استان به تفکیک مقاطع تحصیلی در سال ۹۰-۸۹

آمار فضاهای آموزشی ابتدایی عشایری استان	آمار ساختمان مدارس ابتدایی عشایری استان	ضریب بهره برداری از مدارس ابتدایی عشایری استان
۶۶۳	۴۰۷	۱/۶
آمار فضاهای آموزشی راهنمایی عشایری استان	آمار ساختمان مدارس راهنمایی عشایری استان	ضریب بهره برداری از مدارس راهنمایی عشایری استان
۲۲	۲۱	۱/۰۴
آمار فضاهای آموزشی متوسطه عشایری استان	آمار ساختمان مدارس متوسطه عشایری استان	ضریب بهره برداری از مدارس متوسطه عشایری استان
۷	۷	۱

مآخذ: ادارات آموزش و پرورش شهرستان‌ها

سوال سوم تحقیق: نرخ تراکم دانش آموزان عشایر استان در مقاطع مختلف چگونه است؟ سوال فوق با استفاده از نسبت دانش آموزان به کلاس های درسی مورد بررسی و طبق جدول شماره (۵) و نتایجی به شرح ذیل حاصل گردید:

- ۱- نرخ تراکم دانش آموزان ابتدایی مناطق عشایری استان ۱۲/۹ است.
- ۲- نرخ تراکم دانش آموزان راهنمایی مناطق عشایری استان ۶/۶ است.
- ۳- نرخ تراکم دانش آموزان متوسطه مناطق عشایری استان ۱۳/۲ است.

جدول ۵: نرخ تراکم دانش آموزان به تفکیک مقاطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه در سال تحصیلی ۹۰-۸۹

نرخ تراکم دانش آموزان ابتدایی عشایر	تعداد کلاس های ابتدایی	تعداد دانش آموزان ابتدایی عشایر
۱۲/۹	۱۳۲۹	۱۷۱۶۴
نرخ تراکم دانش آموزان راهنمایی عشایر	تعداد کلاس های راهنمایی	تعداد دانش آموزان راهنمایی عشایر
۶/۶	۸۰	۵۲۱
نرخ تراکم دانش آموزان متوسطه عشایر	تعداد کلاس های متوسطه	تعداد دانش آموزان متوسطه عشایر
۱۳/۲	۲۱	۲۷۹

مآخذ: ادارات آموزش و پرورش شهرستان‌ها

سوال چهارم تحقیق: نحوه توزیع معلمان مناطق عشایری استان در مقاطع مختلف تحصیلی چگونه است؟

جدول ۶: نسبت تعداد دانش آموزان به معلمان دوره ابتدایی مناطق عشایری استان

ردیف	نام شهرستان	تعداد دانش آموز	تعداد معلم	نسبت تعداد دانش آموز به معلم
۱	زاهدان	۳۵۴۹	۲۳۸	۱۵
۲	زابل	۳۶۶	۲۲	۱۷
۳	ایرانشهر	۸۴۵	۴۷	۱۹
۴	خاش	۳۹۴	۲۳	۱۷
۵	سراوان	۱۸۴۱	۶۶	۲۷
۶	مهرستان	۱۸۹۶	۱۱۰	۱۷
۷	سیب و سوران	۵۵۷	۷۰	۸
۸	هیرمند	۷۵۰	۴۲	۱۸
۹	نیکشهر	۲۹۸۲	۱۶۵	۱۸
۱۰	سرباز	۲۴۶۸	۱۲۰	۲۰
۱۱	دلگان	۹۵۳	۶۱	۱۶
۱۲	کنارک	۵۹۰	۲۲	۲۳
۱۳	چابهار	۵۳	۳	۷
	استان	۱۷۱۶۴	۹۸۹	۱۷

مآخذ: ادارات آموزش و پرورش شهرستان ها

نتایج حاصل از تحقیق حاضر طبق جدول شماره (۶) که نسبت تعداد

دانش آموزان به معلمان مناطق عشایری را نشان می دهد:

۱- در دوره ابتدایی از کمترین نسبت مربوط به سیب و سوران (۸) تا بیشترین مربوط به سراوان (۲۷) تفاوت دارد. این نسبت برای دانش آموزان دوره ابتدایی در کل استان ۱۷ می باشد.

۲- از کل تعداد معلمان دوره ابتدایی مناطق عشایری (۹۸۹) تعداد ۷۵۲ نفر (۷۶ درصد) رسمی، ۲۲۴ نفر (۲۲/۶ درصد) سرباز معلم و تعداد ۱۳ نفر (۱/۳ درصد) را حق التدریس و سایر اشکال استخدامی تشکیل می دهند.

۳- کمترین نسبت معلمان رسمی را در مقطع ابتدایی شهرستان سراوان با (۵۳ درصد) و بیشترین نسبت معلمان غیر رسمی مربوط به شهرستان های زابل و هیرمند و چابهار با (۱۰۰ درصد) می باشد که نشان از توزیع نابرابر برخورداری مناطق عشایری شهرستان های استان دارد.

- ۴- در دوره راهنمایی نسبت تعداد دانش آموزان به معلمین مناطق عشایری از حداقل در شهرستان زاهدان ۷ نفر تا حداکثر در ایرانشهر (۲۱) متغیر می باشد. این نسبت برای مناطق عشایری استان (۱۰) می‌باشد.
- ۵- از کل تعداد معلمین دوره راهنمایی مناطق عشایری (۷۲) تعداد (۶۴) نفر رسمی (۷۹ درصد) و تعداد (۸ نفر) (۱۱ درصد) سرباز معلم می‌باشند.
- ۶- مناطق عشایری شهرستان‌های کنارک، چابهار، دلگان، هیرمند، خاش، سراوان، سیب و سوران و مهرستان فاقد مدرسه راهنمایی می‌باشند و دانش آموزان داوطلب ادامه تحصیل جهت ادامه تحصیل به مناطق روستایی یا شهرها مهاجرت می‌کنند.
- ۷- نسبت تعداد دانش آموزان به معلمین در مناطق از ۲۲ در زاهدان و ۱۷ در دلگان متغیر است.
- ۸- کل معلمین دوره متوسطه مناطق عشایری رسمی هستند به جز شهرستان‌های دلگان و زاهدان در سایر شهرستان‌ها برای دوره متوسطه مدرسه‌ای وجود ندارد.

بحث و نتیجه گیری

امروزه یکی از معیارها و شاخص‌های مهم برای قضاوت درباره میزان توسعه یافتگی هر کشور سطح امکانات و تسهیلاتی است که آن کشور برای تحت پوشش قرار دادن جمعیت لازم‌التعلیم خود فراهم آورده است. بر این اساس بررسی نظام آموزشی و ویژگی‌های مربوط به آن نقش مهمی در توسعه پایدار زندگی بشر دارد. از این رو پژوهش حاضر با هدف بررسی فرصت‌های آموزشی دانش آموزان عشایر استان سیستان و بلوچستان به انجام رسیده است. هر چند براساس طبقه بندی توسعه انسانی سازمان ملل، ایران در سال ۱۳۹۰ با شاخص (۰/۷۴۳) در زمره کشورهای با توسعه انسانی سطح بالا ارزیابی شده است، با این وجود شاخص توسعه نیروی انسانی این استان با مقدار (۰/۵۸۷) در پایین ترین و آخرین رتبه بندیها قرار داشته است. با توجه به اینکه یکی از عاملهای اثرگذار بر توسعه نیروی انسانی بویژه در دوره شش ساله اول ابتدایی، نرخ آموزش و باسوادی است در تایید این موضوع و در بررسی سوال اول این تحقیق، نتایج بدست آمده نشان داد که نرخ گذر دانش آموزان دختر عشایر از دوره ابتدایی به راهنمایی و از دوره راهنمایی به متوسطه صد درصد نیست و فرصت‌های آموزشی بطور برابر توزیع نشده است. نتیجه ای که در مورد دانش

آموزان پسر عشایرنیز صادق است. این شاخص‌ها نشان می‌دهد که علی رغم پایین بودن نرخ گذر برای هر دو گروه دختر و پسر، نرخ گذر دختران کمتر از پسران بوده است. به عبارت دیگر سهم دختران واجب‌التعلیم عشایر از سواد، کاهش چشمگیری یافته است. هر چند براین نکته باید اشاره کرد که چون تعداد زیادی از دانش آموزان عشایر بنا به دلایل خاص (اسکان، فقدان مدارس شبانه روزی و ...) در مدارس روستایی و شهری مشغول به تحصیل می‌شوند لذا نرخ گذر در دانش آموزان عشایر کمی از واقعیت دور شده است. هر چند در خصوص پیشینه سوال اول، تحقیقی صورت نگرفته است ولی می‌توان نتیجه گرفت نتیجه این تحقیق در مورد نرخ گذر تحصیلی دختران با تحقیقات مهر علیزاده، رومیانی و پارسا (۱۳۹۱) اقدوسی و زینالی فام (۱۳۹۱) و رومیانی، علیزاده و پارسا (۱۳۹۳) همخوان می‌باشد. در بررسی سوال دوم نتایج بدست آمده در زمینه فرصت‌های آموزشی نیز نشان داد که ضریب بهره برداری از فضاهای آموزشی مدارس ابتدایی، راهنمایی و متوسطه مناطق عشایری نسبت به مدارس استان کمتر می‌باشد که اختلاف زیاد این موضوع نشان می‌دهد مناطق عشایری با کمبود شدید فضاهای آموزشی روبرو می‌باشند. هر چند در این زمینه مدیرکل آموزش و پرورش عشایر کشور از افزایش پوشش تحصیلی ۱۱ هزار نفری دانش آموزان عشایری و رشد مراکز شبانه روزی عشایری از ۱۷۰ به ۲۰۵ واحد آموزشی خبر داده و تصریح می‌کند که در طی سالهای ۹۶-۹۲صدها مدرسه چادری به مدارس کانکسی و یا ساختمانی تبدیل شده است. در این زمینه تحقیقی صورت نگرفته است. در بررسی سوال سوم این تحقیق نتایج حاکی از آن است که نرخ تراکم دانش آموزان دوره ابتدایی، راهنمایی و متوسطه مناطق عشایری نسبت به دانش آموزان استان کمتر است که ناشی از وضعیت معیشتی، کوچنده بودن عشایر و تعداد اندک دانش آموزان این مقاطع می‌باشد. گزارشها نشان می‌دهد نسبت دانش آموزان به معلمین مناطق عشایری در دوره ابتدایی ۱۷ می‌باشد. این نسبت برای مناطق عشایری سراوان بالاترین رقم و برای منطق عشایری سیب و سوران کمترین رقم می‌باشد که نشان دهنده نابرابری دانش آموزان مقطع ابتدایی در برخورداری از تعداد معلم می‌باشد. در این زمینه هم تحقیقی صورت نگرفته است. همچنین براساس سوال چهارم تحقیق نتایج بدست آمده حاکی از آن است که، ۲۴ درصد از معلمین دوره ابتدایی را سرباز معلم‌ها و یا معلمین حق‌التدریس تشکیل می‌دهند که این نسبت برای شهرستان سراوان بالاترین رقم و برای شهرستان‌های زابل، هیرمند،

چابهار کمترین رقم را دارد که نشان از نابرابری شهرستان‌ها در برخورداری از معلمین رسمی دارد. در دوره راهنمایی نیز نسبت دانش آموز به معلم در مناطق عشایری استان ۱۰ می‌باشد که حداقل این نسبت برای شهرستان زاهدان و حداکثر در شهرستان ایرانشهر بوده است و نشان دهنده برخورداری نابرابر شهرستان‌ها می‌باشد. همچنین تنها شهرستان‌های ایرانشهر، نیکشهر، سرباز، زاهدان و زابل مدرسه راهنمایی دارند و سایر شهرستان‌ها فاقد مدرسه راهنمایی هستند و دانش آموزان داوطلب برای تحصیل به روستاها و شهرستانهای دیگر مهاجرت می‌کنند. در شهرستانهای دارای مدرسه راهنمایی نیز ۱۱ درصد سرباز معلم هستند که شهرستان زاهدان بالاترین رقم از برخورداری از سرباز معلم‌ها را دارد و نشان دهنده توزیع نابرابر معلمین رسمی در شهرستان‌های مختلف می‌باشد. در مقطع متوسطه نیز به جز شهرستان‌های دلگان و زاهدان مناطق عشایری سایر شهرستان‌ها فاقد مدرسه دارای دوره متوسطه است که نشان دهنده نابرابری مناطق مختلف عشایری در برخورداری از آموزش متوسطه می‌باشد. نسبت دانش آموز به معلم نیز در مناطق عشایری دو شهرستان ۱۹ می‌باشد. همچنین کل معلمین شاغل در آموزش دوره متوسطه مناطق عشایری رسمی هستند. در این رابطه هم تحقیقی انجام نشده است.

به طور کلی یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که نظام آموزشی مناطق عشایری استان سیستان و بلوچستان در همه زمینه‌ها از جمله نرخ گذر تحصیلی، ضریب بهره برداری از فضاهای آموزشی، نرخ تراکم و نحوه توزیع معلمین در تمام مقاطع تحصیلی از وضعیت مناسبی برخوردار نمی‌باشد و فرصت‌های آموزشی عادلانه توزیع نشده است و نیازمند توجه جدی است. در واقع نتایج این تحقیق و تجربیات مشابه حاکی از آن است که کاهش نابرابری‌های آموزشی امری محال و غیر ممکن نیست و تلاش و سرمایه گذاری در این مورد بسیار مفید و موثر خواهد بود و بر عکس هر نوع سهل انگاری و فقدان برنامه ریزی دشواری‌های عدیده‌ای را بدنبال خواهد داشت. از آنجا که از طریق آموزش و پرورش، نیروی خام به سرمایه‌های انسانی مولد مبدل می‌گردد، نابرابری در فرصت‌های آموزشی فقط محروم کردن افراد از آموزش نیست، بلکه به نوعی محروم ساختن افراد از دستیابی به منافع و مزایای فردی و اجتماعی مترتب بر آموزش و پرورش و نفی قسمت اعظمی از حقوق اولیه افراد می‌باشد. اما موضوع جامعه عشایر در نوع خود مهم‌تر و قابل تامل‌تر است و بحث درباره‌ی نظام آموزشی عشایر که به دلیل نوع معیشت خاص از حساسیت

بالایی برخوردار است توجه بیشتری را می‌طلبد تا فاصله ایجاد شده در شاخص‌های آموزشی بهبود یابد، چرا که جامعه عشایری دوشادوش جوامع شهری و روستایی نقش غیر قابل انکاری در گستره وسیعی از فضای جغرافیای کشور را ایفا می‌نماید. تاکنون به عشایر به عنوان جمعیتی در حاشیه نگاه شده است و همین دیدگاه باعث شده تا این قشر از بسیاری از امکانات موجود در کشور محروم باشد سیستان و بلوچستان ۱۱۰۰ کیلومتر مرز مشترک با کشورهای پاکستان و افغانستان و ۳۰۰ کیلومتر مرز آبی با دریای عمان دارد و به دلیل قرار گرفتن در موقعیت راهبردی و ترانزیتی از اهمیت فراوانی برخوردار است به ویژه بندر چابهار که تنها بندر اقیانوسی ایران و آسانترین و بهترین راه دسترسی کشورهای آسیای میانه به آب‌های آزاد است بنابراین تلاش برای فراهم کردن فرصت‌های آموزشی بویژه در مناطق عشایری این استان از اهمیت خاصی برخوردار است. که توجه جدی دست‌اندرکاران نظام آموزشی در سطح کلان را می‌طلبد به همین منظور جهت رفع مشکلات موجود در نظام آموزشی عشایری پیشنهاد می‌گردد که:

□- یک سیستم اطلاعاتی کارآمد از جمله نظام اطلاعات مدیریت (MIS)

جهت دستیابی به اطلاعات معتبر و مستند مرتبط با آموزش و پرورش عشایر استان ایجاد شود.

۲- بخشی از تحقیقات و مطالعات مراکز پژوهشی و دانشگاهی و سازمان آموزش و پرورش به نظام آموزش و پرورش عشایر استان سوق داده شود.

۳- در خصوص نظام آموزشی عشایر استان در سطح ملی و محلی و در قالب استراتژی‌های برنامه‌های بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت برنامه‌ریزی صورت گرفته و نتایج به صورت مدون تدوین گردد.

۴- دوره‌های مشخص و ترجیحاً در قالب زمانی برنامه‌های توسعه فرصت‌های آموزشی مناطق عشایری به تفکیک جنسیت مورد بررسی قرار گرفته و نظام ارزیابی مربوطه فعال شود.

۵- در قالب یکسری تحقیقات و برای تکمیل تحقیق حاضر علل و عواملی که موجب کاهش کارآمدی نظام آموزشی عشایر می‌باشند مورد بررسی قرار گیرد.

۶- سطح تحصیلی معلمان مناطق عشایری در ابعاد کیفی آموزش بیشینه شود.

۷- جذب و بکارگیری بیشتر فارغ‌التحصیلان محلی به عنوان معلم و مدیر مدارس عشایری.

- ۸- کاهش سرباز معلمها از سیستم آموزش عشایر که باعث ضعف پایه‌های آموزشی دانش آموزان می‌گردد، حذف گردد.
- ۹- با توجه به اینکه تحقیق در جامعه عشایری به دلیل شرایط خاص معیشتی و جغرافیایی و گستردگی و پراکندگی خانوارهای هدف دارای مشکلات خاصی می‌باشد و تعداد اندک تحقیقات مناطق عشایری گواه این موضوع می‌باشد پیشنهاد می‌گردد برای پژوهش‌های مرتبط با نظام آموزشی مناطق یاد شده تسهیلات ویژه‌ای از نظر فناوری در اختیار آنان قرار داده شود.

۱. اقدسی، علی نقی، زینال فام، افسانه. (۱۳۹۱). عوامل محیطی و اجتماعی مؤثر در ترک تحصیل (بازماندگان از تحصیل) دانش آموزان دختر دبیرستان‌های شهرستان میاندوآب در سال تحصیلی ۹۰-۸۹. علوم تربیتی، ۵(۱۷).
۲. اکبری، علی، میزبان، مهدی. (۱۳۸۳). در آمدی بر شناخت ویژگی‌های جمعیت و جوامع عشایری ایران. مطالعات ملی، ۵(۱).
۳. امان اللهی، بهاروند سکندر (۱۳۸۳). زوال کوچ نشینی در ایران: یک جانشینی ایلات و عشایر. فصلنامه مطالعات ملی. عشایر و هویت ایرانی. ۱۷، ۱، سال پنجم شماره ۱.
۴. مهرعلی‌زاده، یدالله، رومیانی، یونس و پارسا، عبدالله. (۱۳۹۱). بررسی جریان مدل دانش آموزی دوره راهنمایی تحلیلی آموزش و پرورش شهرستان اهواز طی سالهای برنامه چهارم توسعه. دو فصلنامه مطالعات برنامه ریزی آموزشی، سال اول، شماره دوم. ص ۵۹ - ۲۷.
۵. رومیانی، یونس و مهرعلی‌زاده، یدالله و پارسا، عبدالله. (۱۳۹۳). بررسی کارایی درونی مدارس شهرستان اهواز طی برنامه چهارم توسعه کشور به تفکیک پایه، موقعیت جغرافیایی و ناحیه. مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، پاییز و زمستان، دوره ششم، سال ۲۱، شماره ۲، ص ۵۸-۳۹.
۶. سیدان، مهدی. (۱۳۷۹). بررسی مشکلات آموزش و پرورش عشایر. کشاورزی و صنعت، ۱۵، ۱۹-۱۶.
۷. صفی نژاد، جواد. (۱۳۸۳). ساختار اجتماعی عشایر ایران. فصلنامه مطالعات ملی : ۱۳۸۳ ، دوره ۵ ، شماره ۱ (۱۷)؛ از صفحه ۴۳ تا صفحه ۸۴ .
۸. عطاران، محمد و عبدلی، مصطفی. (۱۳۹۱). فرهنگ یادگیری مدرسه عشایر کوچ رو: روایت‌های یک معلم. فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران سال هفتم، شماره ۲۵، تابستان، ص ۶۵-۴۵.
۹. کاظمی، سلطان علی. (۱۳۶۹). توانایی‌ها و ناتوانی‌های آموزش عشایر از ابتدا تا انقلاب اسلام، پایان‌نامه. دولتی - وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری - دانشگاه شیراز - دانشکده علوم. ۱۳۶۹. کارشناسی.
۱۰. کریمی، محمد. (۱۳۸۳). بررسی اقدامات انجام شده، چالش‌های موجود و راهکارهای پیشنهادی در کانون توسعه عشایری (ایل شهر) بوشکان استان بوشهر همایش ملی ساماندهی جامعه عشایر ایران.
۱۱. فیوضات، یحیی. (۱۳۷۶). مبانی برنامه ریزی آموزشی. تهران: ویرایش.
۱۲. مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عشایر کوچنده ۱۳۸۷.
۱۳. مشایخ، فریده. (۱۳۹۰). دیدگاه‌های نو در برنامه‌ریزی آموزشی. تهران: سمت.

۱۴. نادری، ابوالقاسم، حسنی، حجت، صادقی، اعظم. (۱۳۹۲). ارزیابی کارایی مدارس با بهره‌گیری از روش تحلیل پوشش داده‌ها: مورد پژوهی مدارس راهنمایی شهرستان شهر بابک در سال تحصیلی ۸۶-۸۷. تعلیم و تربیت ۱۱۵.
۱۵. نبی‌زاده سرابندی، سیما. (۱۳۸۴). بی عدالتی در فرصت‌های آموزشی استان سیستان و بلوچستان. پژوهش زنان، ۳(۳)، ۱۵۵-۱۷۵.
۱۶. Tomasevski, Katarina. (2003), Education denied: Costs and Remedies, March ۲۰۰۳. □□□□□□□□□□ □□□□□ □□□□□□.
۱۷. Bangsbo, E. (2008). Schooling for knowledge and cultural survival: Tibetan community schools in nomadic hearing areas. *Educational Review*, 60(1), 69-84.
۱۸. Chase, S. (2011). Narrative Inquiry: Still a field in the making. In N. Denzin & Y Lincoln (Eds.), *The SAGE handbook of a qualitative research* (4th Ed.). Thousand Oaks, CA: Sage.
۱۹. Ed.). Thousand Oaks, CA: Sage.
۲۰. Cherchye, L., De Witte, K., Ooghe, E., & Nicaise, I. (2010). Efficiency and equity in private and public education: A nonparametric comparison. *European Journal of Operational Research*, (2), 563-573.
۲۱. Research, (2), 563-573.
۲۲. Dyer, Caroline. (2015). Evolution in approaches to educating children from mobile and nomadic communities, *Education for All 2000-2015: achievements and challenges*, ED/EFA/MRT/2015/PI/15.
۲۳. Joseph ,P. B. ,Bravmann ,S. L. ,Windschitl ,M. A. ,Mikel ,E. R. ,& Green ,N. S. (2011). *Cultures of curriculum*. London: Taylor & Francis.
۲۴. S. (2011). *Cultures of curriculum*. London: Taylor & Francis.
۲۵. Tahir G. ,Muhammad ,N. D. ,& Mohammed A. M. (2005). Improving the Quality of nomadic education in Nigeria: Going beyond access and equity. Association for the Development of Education in Africa ,Nigeria. Federal Ministry of Education.